

خطبه های نماز جمعه مورخه ۱۳۹۷/۰۵/۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيينا و حبيب اله العالمين الذي سمي في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين . اما بعد عبادالله اوصيكم ونفسي بتقوى الله و اتباع امره و نهى.

خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم

پيامبر اسلام (ص) فرمودند: «تَكُونُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَطْبَاقٍ» امت من در دنيا سه طبقه اند:

« أَمَّا الطَّبَقُ الْأَوَّلُ فَلَا يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ وَ ادَّخَارَهُ وَ لَا يَسْعَوْنَ فِي اِفْتِنَائِهِ وَ اِحْتِكَارِهِ وَ إِنَّمَا رِضَاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدٌّ جُوعَةٍ وَ سِتْرٌ عَوْرَةٍ وَ غِنَاهُمْ فِيهَا مَا بَلَغَ بِهِمُ الْآخِرَةَ فَأَوْلِيكَ الْأَمِنُونَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» طبقه اول، کسانی اند که جمع مال و ذخیره سازی آن را دوست ندارند و در به دست آوردن و احتکار آن، تلاش نمی کنند به مقداری که سدّ جوع و ستر عورت کنند، راضی اند، هر مقدار که اینان را به آخرت برساند، برایشان بس است، این گروه در امنیت بسر می برند و برایشان خوف و اندوهی نیست.

« وَ أَمَّا الطَّبَقُ الثَّانِي فَإِنَّهُمْ يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ أَطْيَبِ وَجْهِهِ وَ أَحْسَنِ سَبِيلِهِ يَصِ لُونِ بِهِ أَرْحَامَهُمْ وَ يَبْرُونَ بِهِ إِخْوَانَهُمْ وَ يُوَسُّونَ بِهِ فُقَرَاءَهُمْ وَ لَعَضُّ أَحَدِهِمْ عَلَى الرِّضْفِ أَيْسَرُ عَلَيْهِ مِنْ أَنْ يَكْتَسِبَ دِرْهَمًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَوْ يَمْنَعَهُ مِنْ حَقِّهِ أَوْ يَكُونَ لَهُ خَازِنًا إِ لَى حِينِ مَوْتِهِ فَأَوْلِيكَ الَّذِينَ إِنْ نُوقِشُوا عُدُّبُوا وَ إِنْ عَفِيَ عَنْهُمْ سَلِمُوا »

گروه دوم کسانی اند که دوست دارند از راه حلال و پاکیزه مال به دست بیاورند تا به بستگان خود رسیدگی کنند، به برادرانشان نیکی کنند و به فقرا سرکشی نمایند، برای اینان سنگ به دندان گرفتن راحت تر است از اینکه یک درهمی را از راه حرام به دست بیاورند یا به مستحقش نرسانند تا روز مرگ، آن را پس انداز کنند، اگر در قیامت با اینان مناقشه شود، گرفتار عذاب می شوند و اگر عفو گردند، در سلامت خواهند بود.

« وَ أَمَّا الطَّبَقُ الثَّلَاثُ فَإِنَّهُمْ يُحِبُّونَ جَمْعَ الْمَالِ مِمَّا حَلَّ وَ حَرَّمَ وَ مَنَعَهُ مِمَّا افْتَرَضَ وَ وَجِبَ إِنْ أَنْفَقُوهُ أَنْفَقُوهُ إِسْرَافًا وَ بِدَارًا وَ إِنْ أَمْسَكُوهُ أَمْسَكُوهُ بُخْلًا وَ اِحْتِكَارًا » دسته سوم، جمع آوری مال را دوست دارند، حلال و حرام برایشان فرقی ندارد، واجبات را ترک می کنند و در مصرف، اسرافکارند و اگر دست نگهدارند و خرج نکنند از روی بخل و احتکار است (نه به خاطر ترک اسراف) اینان کسانی اند که دنیا زمام قلبهانشان را مالک گردیده تا به سبب گناهان وارد جهنمشان گرداند.

تفاوت دسته اول با دسته دوم و سوم این است که دسته اول اصلا جمع و ذخیره سازی ما را دوست ندارند ولی دسته دوم و سوم دوست دارند و تفاوت دسته دوم با سوم در این است که دسته سوم گرچه جمع نمودن مال را دوست دارند ولی از حرام جمع نمی کنند ولی دسته سوم حلال و حرام نمی شناسند دسته اول چون از اول دل به دنیا نداده اند آزادند و لاخوف علیهم و لاهم یحزنون هستند. چون دلشان را به دنیای فانی گره نزده اند. در اینجا باید دقت کرد که که حضرت فرمودند آنها دنیا ندارند و از دنیا فرار می

کنند بلکه فرمود جمع کردن مال را دوست ندارند. ممکن است ثروتمند هم باشند ولی دل به ثروتشان نداده اند. حضرت سلیمان ثروتمند بود ولی دل به ثروت نداد، حضرت ابراهیم ثروتمند بود ولی دل به ثروت نداد چرا دل به دنیا نداده اند؟ چون دلشان را خانه خدا کرده اند. خدای متعال فرموده است « مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ » و پیامبر اسلام (ص) فرموده است که « كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ »^۱ اینها محبت دنیا را به دل راه ندادند و فقط محبت خدا دلشان را فراگرفت. امام سجاد در دعایش خطاب به خدای متعال عرض می کند: « يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَانَسَةِ ». در روایت می خوانیم، بعضی ها وقتی به بهشت می روند، غرق در عالم رحمتند. هفتصد سال حورالعین که خدا برای آنها فرستاده سرگردانند. بعد حورالعین شکایت می کند. می گوید: خدایا! مگر مرا برای این خلق نکردی؟ این هیچ اعتنا به من ندارد. خطاب می شود: بگذار غرق در عالم رحمت باشد. این عاشق من است. می خواستند حضرت ابراهیم (ع) را امتحانش کنند. جبرئیل آمد میکائیل هم آمد. یکی از اینها از مشرق با صدای بلند گفت «: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ » «آن دیگر از مغرب گفت»: رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ » این صدا در روی کره ی زمین طنین انداز شد. حضرت ابراهیم (ع) داد زد و گفت: ای کسی که نام محبوبم را بردی! اگر یک دفعه ی دیگر آن را تکرار کنی، نصف مالم را می دهم، جبرئیل گفت «: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ»، میکائیل گفت «: رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ». «جاذبه ی اسم معشوق روی عاشق، روی دل حضرت ابراهیم (ع) (اثر گذاشت که دوباره گفت: ای کسی که اسم محبوبم را بردی اگر یک دفعه ی دیگر ببری همه ی مالم را می دهم. دوباره تکرار کردند. ابراهیم گفت دیگر چیزی ندارم، اگر یک دفعه ی دیگر اسم محبوبم را ببری، خودم را بنده ی تو می کنم. یعنی خودم را در راه اسم محبوبم می دهم. باز جبرئیل و میکائیل اسم خدا را تکرار کردند، و ابراهیم گفت دیگر چیزی ندارم بیائید همه ی مالم مال شما، همه ی جانم فدای اسم محبوبم.

محمود غزنوی با غلام خود ایاز شبانه از مزبله ای می گذشتند دیدند یک زن و مرد فقیر در میان مزبله نشسته اندو زن در ظرف شکسته به شوهر شراب می دهد و شوهر ژنده پوش می گوید آیا خدا زیباتر از تو آفریده است؟ از زندگی لذت می برند و بر وجود خود افتخار می کنند. محمود غزنوی تبسم مسخره ای کرد و گذشت ولی غلامش به وی گفت افرادی وجد دارند که به این تاج و تخت شما می خندند. گفت: من به اینها می خندم به جا است. اما کیست که به قصر من بخندد؟ گفت: افرادی هستند که دل شب بلند می شوند. یخ را می شکنند؛ وضو می گیرند و نماز می خوانند؛ وقتی الله اکبر می گویند، به دنیا و آنچه در دنیا است پشت پا می زنند. دیگر تو و قصر تو چیزی در دیدگان آنها نیست.

اما دسته دوم که افراد مومنی هستند و خود را به حرام آلوده نکرده اند ولی دلشان آلوده شده و جای خدا را حب مال گرفته است اینها در خطرند اگر خدای متعال از اینها حساب بکشد به سختی و بدبختی مبتلا خواهند شد و اگر خدا عفو کند نجات خواهند یافت.

^۱ . عیون الحکم و المواعظ (للیثی) ؛ ص ۳۹۷

یکی از نامهای روز قیامت یوم الحساب است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «إِنَّ الرَّجُلَ يُسْأَلُ عَنْ كُحْلِ عَيْنِهِ وَ عَنْ فَتَةِ الطَّيْنِ بِأَصْبُعِهِ وَ عَنْ لَمْسِهِ ثَوْبَ أَخِيهِ»^۲ یعنی " همانا در قیامت از مردم سؤال می شود در باره سرمه ای که به چشم خود کشیده اند، و از خاک و گلی که با انگشت خود مالیده اند و دستی که به لباس برادر خود کشیده اند."

در حدیث دیگر نقل شده که امام علیه السلام فرمودند: «يُؤْخَذُ سِتْمَاءُ صَلَوةٍ بِدِرْهَمٍ» یعنی " در قیامت ششصد نماز در عوض یک درهم داده می شود."

و در لثالی الاخبار وارد است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به دیدن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تشریف آوردند دیدند آن مخدره خانه خود را به حصیر و پوست گوسفند فرش نموده و پیر اهنی از پشم بسیار خشن شتر در بر نموده و مشغول کار خانه می باشد. چون چشم حضرت زهرا علیها السلام به پدر افتاد از فقر و زحمت خانه شکایت نمود. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به او فرمودند «لَا تَعْتَمِدِ عَلَيَّ أَنْتِ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَ زَوْجَةُ عَلِيِّ وَ أُمُّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَوَالَّذِي نَفْسِي مَحْمَدٍ بِيَدِهِ لَا يَأْذُنُوكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ تَرْفَعِ قَدَمًا عَنْ قَدَمِي حَتَّى تَفْرَغَ مِنْ حِسَابِ هَذَا الْحَصِيرِ وَ هَذَا الثَّوْبِ» یعنی " ای نور دیده اعتماد مکن بر آنکه تو دختر پیغمبری و عیال علی و مادر حسن و حسین علیهم السلام می باشی، قسم به آن کسی که جان من در قبضه قدرت اوست به تو اجازه داده نمی شود روز قیامت که قدم از قدم برداری مگر اینکه از عهده حساب این حصیر و این پیراهن برآیی."

اما دسته سوم که هم دلشان آلوده است و هم اعمال و جوارحشان غرق در گناه است، اینها مستحق آتش جهنمند.

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون و لا يحصى نعمائه العادون و لا يؤدّي حقه المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم و لا يناله غوص الفطن ثم الصلاة و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين الذي سمى في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد

اللهم صل على علي اميرالمومنين و على فاطمه سيده النساء العالمين و على الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة و على علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و الحجة القايم المنتظر عجل الله تعالى فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره و المستشهدين بين يديه

اسغفرالله لي و لكم من جميع الذنوب و الآثام و اتوب اليه

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تُضِرَّ إِلًّا غَامِلَهَا وَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً
وَلَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ أُضْرَتِ الْعَامَّةُ» اگر کسی گناهی را در پنهانی انجام دهد، زیانش به غیر او نخواهد رسید؛ ولی اگر
آن را آشکارا مرتکب شود و دیگران او را سرزنش نکنند، زیانش دامنگیر همگان خواهد شد.

اگر در جامعه می بینیم گناه میشود ولی بی تفاوت از کنارش رد می شویم باید بدانیم روزی دامن من را
هم خواهد گرفت. حضرت امیر (ع) فرمودند: «من ترک انکار المنکر بقلبه و لسانه فهو میت بین الاحیاء» آن
کس که با قلب و زبان به نهی از منکرات نپردازد مرده ای است در میان زندگان.

مردم ما در مبارزه با رژیم پهلوی که یک رژیم مستنبد و بی رحم بود و آمریکا نیز پشتیبانش بود مبارزه
کرد و پیروز شد. این پیروزی به این دلیل نبود که رژیم پهلوی ضعیف بود و یا استکبار جهانی از وی حمایت
نکرد بلکه به این دلیل بود قیام کنندگان برای خدا قیام کردند و مطیع محض رهبرشان بودند و خواستار استقرار
اسلام بودند و به همین دلیل پیروز شدند.

مردم ما در هشت سال دفاع مقدس که قوی ترین رژیم از نظر نظامی با پشتیبانی دهها کشور قدرتمند
اروپائی و آمریکا و به طور کلی شرق و غرب به کشور ما حمله کرد در حالی که ما تازه انقلاب نموده بودیم ولی
بر تمام قدرتهای شرق و غرب پیروز شدیم. این پیروزی به خاطر این نبود که رژیم بعثی عراق ضعیف بود و یا
حامیان آن ضعیف بودند بلکه آنها بسیار قوی هم بودند و به همین دلیل به اندازه ۳۰ سال در آمد نفتمان در
مدت هشت به ما خسارت وارد کردند و تنها در سال ۶۵ بیش از ۱۵۵ هزار شهید دادیم و در مبارزه با همین
مهاجمین بیش از ۲۳۳ هزار شهید و ۳۲۰ هزار جانباز دادیم ولی پیروز شدیم. علتش این بود که رزمندگان ما
نهای خدا جنگیدند، برای شهادت از هم سبقت گرفتند ف در اطاعت از امامشان درنگ ننمودند.

در همین اواخر همه دنیا دیدند که قدرتهای بزرگ دنیا و دلارهای آمریکا و پولهای نفت عربستان برای
اسقاط ایران، داعش را به وجود آوردند ولی بازماندگان همان هشت سال دفاع مقدس، داعش را تار و مار کردند
و همه تلاش کردند سوریه و عراق را بگیرند تا به لب مرز ایران برسند و در داخل ایران به نسل کشی بپردازند
ولی رزمندگان ما در صدها کیلومتر دور تر از مرز کشورمان، مضمحلشان ساختند. با این که آمریکا تر حمله به
عراق ۳ تریلیون دلار هزینه کرد اما م امروز عراق در دستان ماست. امروز محور مقاومت نه تنها داعش را نابود
نمود بلکه داعش سازان را نیز ناامید کرد و شکست داد بلکه اسرائیل و آمریکا را نیز در عرصه نظامی شکست داد
ما این همه قدرت داریم ولی چرا در عرصه فرهنگ و اقتصاد این قدر گرفتار نابسامانی هستیم؟

چرا در عرصه فرهنگ، زندگی ما اسلامی نشد؟ چرا هر روز شاهد عریان شدن زنان و دخترانمان می
شویم؟ چرا الگوها عوض شده و امروز می بینیم نوازندگان بیش از قاریان قرآن محبوبند و هنرپیشگان فاسد
میدان دار فرهنگ شده اند و حتی همینها که نه درد دین دارند و نه درد کشور س یاستمدار شده و در عالم
سیاست موثرند؟ چرا هر روز نگهداری از سگهای رنگارنگ جای نگهداری فرزندان را بیشتر می گیرد؟ چرا
ارزشهای اسلامی کم رنگ شده است؟

چرا در عرصه اقتصاد این همه مشکلات به وجود آمده است؟ چرا این همه فساد و اختلاس و احتکار و
گرانی و ورم به وجود آمده است؟ مردم جنگ را تحمل کردند ولی چرا گرانی را تحمل نمی کنند؟ مردم برای

دفاع از کشور فرزندانمان را دادند و لب فرو بستند بلکه به درگاه خدای عالم شکرگزار بودند که توفیق شهادت به فرزندانمان داده است ولی امروز می توانند این گرانی و بیکاری را تحمل کنند؟
آیا مدیریت عرصه فرهنگی سخت تر از مدیریت جنگ و داعش است؟ آیا مدیریت اقتصادی سخت تر از مدیریت جنگ و داعش است؟ یا دشمنان ما در جنگ کوتاه می آیند ولی در عرصه اقتصاد و فرهنگ کوتاه نمی آیند به این دلیل ما شکست می خوریم؟

پاسخ بسیار روشن است. نه مدیریت فرهنگی اقتصادی کشور از مدیریت جنگ و رهبری محور مقاومت سخت است و نه دشمن در میدان جنگ کوتاه آمده بلکه قضیه چیز دیگر است.
در میدان نبرد با آمریکا چه در هشت سال دفاع مقدس و چه در نبرد با داعش در سوریه و عراق، کسانی میدان دار شدند که مطیع محض ولایت بودند و فقط برای خدا قیام کردند و برای قیام خود نیز هیچ امتیازی از غیر خدا نخواستند و دنیا را رها کردند و برای دفاع از اسلام جان بر کف بودند و جانشان را دادند قدمی از انجام وظیفه کوتاهی نکردند.

مگر در جنگ اینگونه نبود؟ چه آنهایی که مخلص بودند و مخلص ماندند و خالصانه شهادت نوشیدند شهادت را نوشیدند و چه آنها که مخلص بودند ولی بعدها منحرف شدند همه در میدان نبرد خالص بودند. ولی در عرصه اقتصاد و فرهنگ میدان در دست کسانی است که اخلاص و ایمان و تلاش رزمندگان را ندارند. آنها برای حفظ کشور می جنگیدند و اینها برای حفظ خود، آنها برای شهادت سبقت می گرفتند اینها برای زراندوزی مسابقه گذاشته اند، آنها مطیع محض ولایت بودند اینها فقط شعار ولایت می دهند و یا به دستورات و منویات رهبری عمل نمی کنند و یا با تانی و تردید عمل می کنند.

آنها در وسط میدان بودند تشنگی را با تمام وجود لمس می کردند، آنها در خط مقدم نبرد بودند قبل از دیگران حمله می کردند و قبل از دیگران مجروح می شدند و به شهادت می رسیدند و دیگران را سپر خویش قرار نمی دادند ولی اینها راحت طلب شده اند و درد مردم را، بیکاری مردم را، فقر مردم را می شنوند ولی احساس نمی کنند چون خودشان صاحب ثروت هستند.

مجاهدان میدان نبرد فکرشان، شعارشان، عملشان طبق دستورات اسلام بود. ولی میدان داران عرصه فرهنگ و اقتصاد شعارشان اسلامی است ولی فکرشان و عملشان سکولار است. به همین دلیل در مقابل پایمال شدن ارزشهای دینی، سست شدن باورها، زیر پا گذاشته شدن دستورات خدا بی تفاوت هستند.

همه باید بدانند که دشمنان ما به همان اندازه که در نبرد نظامی جدی بودند و پول خرج کردند و می کنند در عرصه فرهنگی نیز جدی هستند و پول خرج می کنند ولی ما در عرصه فرهنگی نه جدی هستیم و نه پول خرج می کنیم و اصلاً بسیاری از صاحب منصبان تهاجم فرهنگی را درک نکرده اند و به فکر انجام کاری نیستند. بلکه اگر هم در عرصه فرهنگ بخواهند کاری کنند در خلاف جهت اسلام کار می کنند و خواسته دشمن را ترویج می کنند.

من از شما سوال می کنم مثلاً اگر وزارت ارشاد نبود چه مشکلی پیش می آمد و این وزرات خانه کدام خلا فرهنگی را پر کرده است؟ کدام ارزش اسلامی را ترویج نموده است که اگر این وزارت خانه نبود مثلاً زندگی

مردم اسلامی نمی شد؟ دشمن خواست خانواده ها را سست کند و کرده است ، متولیان فرهنگی ما برای تقویت بنیان خانواده چه کرده است؟

دشمن می خواهد جوانان ما ازدواج نکند و ازدواج کرده ها نیز طلاق بگیرند و موفق هم شده است که جوانان ما سنشان به ۳۰ سال سیده ولی نمی توانند ازدواج کنند و کسانی هم که ازدواج می کنند از هر سه یا چهار نفرشان طلاق می گیرند . دشمن این کار را کرده است. متولیان فرهنگی ما برای این معضله چه کار نموده اند ؟

دشمنان ما خ واسته روسری از سر دختران و زنان ما بردارد و مرز محرم و نامحرم را از بین ببرد و ازدواج سفید را ترویج کند و موفق شده است ، متولیان فرهنگی ما برای این معضل چه کرده اند؟ فرزندان ما ده ، ۱۲ سال در مدرسه درس می خواهند و بهترین ایام خود را از دست می دهند ولی نه سبک زندگی اسلامی را می آموزند بلکه ذهنشان پر از شبهات می شود و نه حرفه و کاری برای زدگی خود یاد می گیرند بلکه فقط چند مطلب را حفظ می کنند و مدرک می گیرند . حالا بعد از پیدایش مدارس غیر انتفاعی حفظ کردن مطالب نیز لازم نیست همین که پول بدهی و ثبت نام کنی صاحب مدرک خواهی شد. دشمن در عرصه فرهنگ بیدار است و کار می کند و ما در خواب و نتیجه همین می شود که می بینید در عرصه اقتصاد نیز همین است. متولیان امور اقتصادی تعدادشان خودشان مبتلا به فسادند ، تعدادشان حال و حوصله کار ندارند ، تعدادشان اعتقاد به اقتصاد مقاومتی ندارند و تعدادشان در خوابند. به همین دلیل نه تنها در اقتصاد پیشرفت نداریم بلکه با صدها مشکل مواجه هستیم.

در کشورهای پیشرفته ۵۰ درصد رشد تولیدات ناخالص داخلی از طریق بهره وری است ولی در کشور ما به برکت همین نیروهای فشل ، بهره وری بسیار پایین است . در ایران برای هر ساعت کار یک و هفت دهم دلار ارزش تولید می شد در حالی که در کشورهای صنعتی ۴۲ دلار است.

سالانه بین ۱۵ تا ۱۸ میلیارد دلار کالا به صورت قاچاق وارد کشور می شود که ۹۰ درصد قاچاق از مبادی رسمی کشور صورت می گیرد. آیا افراد عادی می توانند ۱۰، ۱۲ میلیارد دلار از گمرک کالا قاچاق کنند یا اینها افرادی هستند که خودشان رهبری اقتصاد کشور را به عهده دارند؟

در ۱۱ ماهه اول سال ۹۶ حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان کالای غیر ضروری وارد کشور شد که با این رقم می توانستیم ۴۰۰ هزار شغل ایجاد کنیم .

ما در اقتصاد و فرهنگ مشکل داریم چون میدان داران این دو عرصه در شأن حکومت اسلامی نیستند . در این بخش ما به انقلاب ، اصلاح ، جراحی نیاز داریم . یا باید مسئولین این جراحی را بکنند و فرماندهان و متولیان این عرصه نیز مانند فرماندهان عرصه نبرد باشند یا مردم این جراحی را انجام خواهند داد ولی اگر مردم بخواهند این کار را بکنند تبعات بسیار بدی خواهد داشت.

امروز مشکلات اقتصادی بخش عمده اش از سوء مدیریت و سوء استفاده های صاحب منصبان است که

باید به زودی رفع شود.